

سود حتماً سود است

نویسنده‌ی سرمقاله دوشنبه ۶ دی‌ماه دنیای اقتصاد با عنوان «سود، سود نیست» در پاسخ مقاله «سود، سود است» اینجانب نکاتی را ذکر کرده‌اند که متأسفانه به پیام اصلی نوشته اینجانب مرتبط نیست. ضمن تشکر از توجه ایشان، اشاره به چند نکته را ضروری می‌دانم:

۱- نویسنده محترم **فرض کرده‌اند** چون در نظام بانکداری ایران، به جای «بهره» از کلمه «سود» استفاده می‌شود، تفاوت این دو را درنیافته‌ام و فرق آورنده سرمایه (سرمایه‌گذار یا سهامدار) را با آورنده بدهی (بستانکار یا در این مورد سپرده‌گذار) در نمی‌یابم. تقسیم صاحبان وجوه به سهامداران (دریافت‌کننده سود) و بستانکاران (دریافت‌کننده بهره) یک تقسیم‌بندی حسابداری و حقوقی است. اقتصاددانان هر دو گروه را سرمایه‌گذار می‌دانند و از نظر آنان نوع حقوق حاکم بر آورده آنان و تفاوت‌های مالیاتی مربوطه مطرح نیست. از دیدگاه آنان هر دو گروه از سرمایه‌گذاران «سود» یا «بازده» دارند. عنوان مقاله اینجانب موضوع را از دید اقتصاددانان مطرح می‌کند و این چنین نیست که بنده در سمت چپ ترازنامه بانک‌ها، صاحبان سرمایه را از صاحبان بدهی تشخیص ندهم.

۲- نوشته‌اند، «بنگاه چه سودآور باشد و چه نباشد، چه سود موهومی تعریف بکند یا نکند... متعهد به پرداخت سود سپرده‌های خود است.» بحث بنده این نبوده که بانک نباید سود سپرده‌ها را بپردازد. بحث این بوده که اگر بانکی در کوتاه‌مدت سودهایی (بهره‌هایی) به سپرده‌ها بپردازد که در وسع و امکان بانک نیست، در میان‌مدت و بلندمدت از پرداخت این سودها ناتوان خواهد شد. از آنجا که مقام ناظر باید بانک‌ها را «مقید» کند نرخ سودی را بپردازند که در توان آنهاست و سود موهوم به سپرده‌گذاران نپردازند، پیشنهاد مقاله به مقام ناظر تشدید نظارت در مقطع قبل از زمان مجمع بانک‌ها است. اگر آن مرحله کنترل هم اعمال شود، دیگر شاید لزومی به اصلاح رقم سود متعلق به سهامداران - آن هم در ابعادی که شاهدیم - نباشد.

۳- اگر بخواهیم استدلال بالا را دنبال کنیم و مقام ناظر به بانک‌ها اجازه دهد هر سودی (بهره‌ای) به سپرده‌ها پرداخت کنند، حتی اگر سودی روی اعتبارات اعطایی و سایر دارایی‌های بانک به‌دست نیامده، دائماً زیان کنند و این زیان را به سهامداران منتقل کنند، آن‌گاه ظرف مدت کوتاهی سرمایه به صفر می‌رسد و امکان ادامه حیات از بانک گرفته می‌شود. پس، روشن است که مقام ناظر (در این مورد بانک مرکزی) چون به سلامت بانک علاقه‌مند است، باید همان قدر که نسبت به موهوم بودن بازده پرداختی به سهامدار حساس است، نسبت به موهوم بودن بازده پرداختی به سپرده‌گذاران هم حساس باشد، به‌ویژه آنکه حجم ریالی دومی در شرایط فعلی ۱۵ برابر حجم اولی است.

۴- نوشته‌اند، «این موضوعی کاملاً عیان و عادی است که زیان بنگاه از آن صاحبان بنگاه باشد... و بانک باید هزینه سود سپرده‌های خود را بپردازد.» در مقاله اینجانب چیزی که معنای خلاف این را بدهد البته نوشته نشده است.

۵- نوشته‌اند، «محاسبه سودی که وجود ندارد، شاید امروز باعث خوشحالی سهامداران شود...» بنده نگفته بودم سودی را که وجود ندارد به سهامداران پرداخت کنند. وقتی در مقاله یک صفحه‌ای اینجانب به‌طور روشن در ۴ نوبت تاکید شده که «سیاست دو سال اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اصلاح سود و زیان بانک‌ها و کاهش قابل‌ملاحظه رقم سود به دلیل ضرورت... قابل دفاع است.» وقتی به صراحت نوشته شده «هیچ‌کس نمی‌تواند از این موضوع دفاع کند که بانک‌ها سود موهومی توزیع کنند.» وقتی به‌روشنی آمده که «آنچه مورد اشاره قرار گرفت به هیچ‌وجه به معنای نادیده انگاشتن ضرورت نظارت‌های حتی بیشتر بانک مرکزی نیست.» وقتی ذکر شده که «سهامداران بورس نیز از تلاش‌های شفاف‌سازی بانک مرکزی حمایت می‌کنند» آن‌گاه بیان عبارتی که بوی آن را بدهد که نگارنده خواهان پرداخت «سودی هستم که وجود ندارد»، اندکی ناعادلانه است.

۶- تلاش همکاران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای اصلاح وضعیت بانک‌ها جای تقدیر فراوانی دارد و هدف از نوشتن مطلبی توسط اینجانب یا نویسنده محترم سرمقاله دیروز حتما حمایت از اقدام‌های اصلاحی مقام ناظر و دولت در این برهه حساس از عمر نهادهای پولی کشور است. به‌نظر می‌رسد که هر دو نفر خواستار نظارت‌های حتی بیشتر بانک مرکزی هستیم و هر دو در نوشته‌های خود بر ضرورت اصلاح نظام بانکی تاکید کرده‌ایم.